



## پنجاه و هشتم سال تبه کاری، خیانت و غارت

بخش دوم: «تأملاتی پیرامون بنیاد پهلوی و فساد مالی رژیم شاه»

سید محمد جواد قربی  
فرهاد سهامی

به روزگار رضا هر که را که من دیدم هزار مرتبه فریاد نارضایی بود

### چرا و چگونه بنیاد پهلوی شکل گرفت؟

در شماره قبل گفته شد که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ابتدای سال ۱۳۳۷ شاه و دربار از هیچ فرصتی برای انباشت ثروت کوتاهی نکردند؛ در حقیقت شاه هم قدرتش را همانند پدرش بر روی سه ستون نیروهای مسلح، شبکه حمایتی دربار و دیوان سالاری گسترده دولتی قرار داد. شبکه حمایتی دربار، شاه را قادر می‌ساخت تا از راه پرداخت حقوق و مزایای هنگفت و فراهم ساختن مشاغل بی‌دردسر ولی پر درآمد، تلاش‌ها و خدمات پیروان و پشتیبانان خود را تلافی کند.<sup>۱</sup> برای این کار نیاز به مؤسسه‌ای بود که شاه بتواند خارج از حساب‌های رسمی و دور از چشم مردم در قالبی به ظاهر خیرخواهانه به این کار

۱. پرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نی، ۱۳۸۹، ص ۵۳۵.



اقدام نماید. هسته اولیه و اساسی بنیاد پهلوی بر این باور شکل گرفت. برای بهره‌گیری از همین فرصت تاریخی بود که نه تنها بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بلکه به تدریج سایر سازمان‌های پول‌ساز متعلق به دربار، مانند شرکت بیمه ملی، شرکت ملی نفتکش و یا بانک عمران تأسیس یا از نو سازماندهی شدند و زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری بنیاد پهلوی فراهم شد.

## مؤسسات اولیه تشکیل بنیاد پهلوی

### ۱. بنگاه ترجمه و نشر کتاب

این بنگاه مؤسسه‌ای سلطنتی بود که به ابتکار احسان یارشاطر و مساعی اسدالله علم، مباشر وقت املاک و مستغلات پهلوی، تأسیس شد. این نهاد به عنوان شرکتی با مسئولیت محدود با امتیازات سازمانی غیر انتفاعی به ثبت رسید و اعضای نخستین هیئت مدیره آن اسدالله علم، جعفر بهبهانیان، احسان یارشاطر و سید حسن تقی‌زاده بودند. در ۱۳۳۵، ادوارد ژوزف به عنوان بازرس این بنگاه تعیین شد. سرمایه اولیه بنگاه، که یک میلیون ریال بود، بعدها به پنج میلیون ریال، بالغ بر پنج هزار سهم، افزایش یافت و به تدریج طی پنج سال از طریق عواید املاک سلطنتی پرداخت گردید. بنگاه برای پیشبرد طرح‌های خود، کارهای تجاری مطمئنی به اجرا نهاد، زیرا پس از پرداخت سرمایه اولیه، می‌بایست بودجه خود را از فروش انتشاراتش تأمین می‌کرد. و این اصل، با وجود حمایت‌های شرکت ملی نفت و بعدها حمایت بنیاد پهلوی و سازمان برنامه از بنگاه ترجمه و نشر کتاب توسعه یافت. در سال ۱۳۴۲، بنیاد پهلوی به سرپرستی علم بنگاه را که تا آن هنگام مستقل بود، در تملک گرفت و بر اداره امور مالی آن، از طریق نماینده خود در مقام رئیس هیئت مدیره، نظارت می‌کرد. در ۱۳۴۵، جعفر شریف امامی، رئیس بنیاد پهلوی جانشین علم شد و به شمار اعضای هیئت مدیره با انتصاب سناتورها، محمد حجازی، محمد سعیدی و ابراهیم خواجه‌نوری افزود. با وجود این، استقلال بنگاه در هیئت تحریریه، با سرویراستاری که در گزینش آثار، نویسندگان، ویراستاران و مترجمان اختیار کامل داشت، ادامه یافت. در ۱۳۳۶، یارشاطر، مدیر بنگاه، برای تدریس به دانشگاه کلمبیا دعوت و بهرام فره‌وشی (متوفی ۱۳۷۱) به جای او قائم‌مقام شد و در سال‌های بعد، عبدالحسین زرین‌کوب، ایرج افشار، جعفر شعار و حسن ذوقی (متوفی ۱۳۵۴) در همین سمت انجام وظیفه کردند.<sup>۱</sup> پس از مرگ ذوقی، عبدالله سیار،

۱. ادوارد ژوزف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ص ۳۴۴.



رئیس بخش چاپ و نشر بنگاه، جانشین او شد. هدف اعلامی و اولیه بنگاه، ترجمه آثار تراز اول جهان به زبان فارسی بود و تلاش‌های سه ساله اول بنگاه در این جهت بود؛ اما به تدریج برای انتشار آثاری از نوع دیگر نیز شرایط مناسبی فراهم شد و ترجمه آثاری برای جوانان و نشر انتقادی متون ادبیات فارسی در دستور کار قرار گرفت. انتشارات بنگاه در مجموعه‌های گوناگون در پاسخ به نیازهای ویژه‌ای طرح می‌شد، و مسئولان آن، از انتشارات خارج از برنامه اجتناب می‌کردند. برای نخستین بار، مطابقت ترجمه با متن اصلی برای اطمینان از صحت و دقت آن، در این مؤسسه رایج گردید. در بسیاری موارد، ویراستاران بنگاه، ترجمه‌ها را تقریباً بازنویسی می‌کردند. همچنین بنگاه اولین مؤسسه در ایران بود که طرح مشخصی برای هر مجموعه داشت، گرچه بنگاه اجازه چاپ یادداشت‌های هدایه یا پیشگفتارهایی با این مضمون را در ابتدای کتاب‌ها نمی‌داد. از ۱۳۳۶، عبارت «به فرمان محمدرضا شاه پهلوی» بر صفحه سفید جداگانه‌ای، مشابه صفحات پیش از متن، چاپ می‌شد.<sup>۱</sup> این بنگاه موفق شد با استفاده از شرایط آن روز کشور و به لطف پشتیبانی مراکز قدرت به سرعت به یکی از بزرگترین مراکز انتشاراتی کشور تبدیل شود. درباره اهداف این بنگاه از سوی پژوهشگران مناقشات زیادی در گرفته است. عده‌ای آن را دارای کارویژه‌های فرهنگی صرف دانسته‌اند اما برخی اهداف دیگری را نیز ذکر کرده‌اند که اهداف اعلامی و اولیه این مؤسسه را تحت الشعاع قرار می‌داد. از آنجا که این مؤسسه بزرگ تحت مدیریت عناصری از فرقه ضاله بهائیت بود همواره در مظان اتهام فعالیت‌های ضد دینی و ترویج سکولاریسم بود.<sup>۲</sup>

## ۲. شرکت ملی نفتکش

در سال ۱۳۳۶، بنا به دستور شاه اداره‌ای در املاک و مستغلات پهلوی به نام «اداره حمل و نقل خلیج» تأسیس گردید و به منظور ایجاد یک ناو بازرگانی قرارداد ساختمان دو فروند کشتی به ظرفیت هر فروند یک هزار تن که سرمایه آن از طرف شاه پرداخت شد با شرکت کشتی‌سازی فرولم هلند منعقد گردید که در واقع اولین و بزرگترین شرکت نفتکش ایران بود و توانست تا سال‌ها به صورت انحصاری به حمل و توزیع نفت و سایر مشتقات نفت بپردازد که تا سال‌ها از منابع عمده درآمد شاه محسوب می‌شد،<sup>۳</sup> سهام این شرکت در سال ۱۳۵۰ و به تدریج به شرکت ملی نفت ایران فروخته شد.<sup>۴</sup>

۱. دل‌آزمردوخی، پیام بهارستان، دوره ۲، س ۳، ش ۱۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۲. نیمه پنهان؛ سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست، ج ۱۳، تهران، کیهان، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۸.

۳. کارنامه بنیاد پهلوی، تهران، کتابخانه سلطنتی، ۱۳۴۶.

۴. رابرت گراهام، ایران سرب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، سبحان، ۱۳۵۸، ص ۱۹۴.



### ۳. بانک عمران

مهمترین دارایی بنیاد پهلوی، تملک ۱۰۰ درصدی بانک عمران بود. بانک عمران پنجمین بانک بزرگ تجارتي ایران بود. این بانک در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۳۱ تأسیس گردید و اعلام شد که برای سرمایه‌گذاری در امر گسترش کشاورزی در املاک سلطنتی و کمک به دهقانان برای خرید این زمین‌ها ایجاد شده است. مردم به نحو واقع‌بینانه‌تری معتقد بودند که این بانک برای جمع کردن اقساط املاک سلطنتی فروخته شده به دهقانان درست شده است و این امر با حقیقت بیشتر وفق می‌داد. به هر حال آنچه به نام بانک عمرانی درست شده بود به سرعت به بانک سلطنتی تبدیل شد. مدیر عامل این بانک از بدو تأسیس تا سال ۱۳۳۵ بر عهده حبیب‌الله آموزگار بود. در این سال به دلیل برخی خسارت‌های مالی، وی از سمت مدیر عاملی این بانک برکنار و دکتر هوشنگ رام که از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های امریکا بود به این سمت منصوب شد. با شروع مدیریت جدید، بانک تدریجاً توسعه یافت به نحوی که تعداد شعب آن در تهران و شهرستان‌ها از هزار واحد بانکی تجاوز می‌کرد.<sup>۱</sup> طبیعت بانک عمران به خوبی از ترکیب شورای عالی هفت نفره‌اش مستفاد می‌شود. رئیس این شورا شریف امامی بود که نایب‌التولیه بنیاد پهلوی هم بود. همکاران او وزیر دربار و اسدالله علم که نزدیکترین فرد به شاه بود و سال‌ها در این شورا عضویت داشت، بودند. همچنین دکتر منوچهر اقبال، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران هم تا زمان مرگش عضو این شورا بود. سپهبد علی محمد خادمی مدیر عامل هواپیمایی ایران، طاهر ضیایی رئیس اتاق بازرگانی و مهدی سمیعی رئیس اسبق بانک مرکزی و رئیس بعدی بانک توسعه کشاورزی هم عضو این شورا بودند. سمیعی تنها کسی بود که در امر بانکداری تخصصی داشت. شاه در عین حال تریبی داده بود که محمدجعفر بهبهانیان هم در این شورا عضویت داشته باشد. این فرد به عنوان اولین مدیر عامل بنیاد پهلوی، به عنوان خزانه‌دار خصوصی شاه عمل می‌کرد و در موارد عدیده‌ای برای معاملات و فعالیت‌های اقتصادی شاه نقش واسطه را ایفا کرده بود. مدیر عاملی این بانک بر عهده هوشنگ رام بود، که اقداماتش مخالفت‌های زیادی را برانگیخت. ناگفته نماند که از سرمایه اولیه یک میلیون دلاری بانک، پانصد هزار دلار آن را اداره همکاری فنی وزارت امور خارجه امریکا، دویست و پنجاه هزار دلار کمک بنیاد مورد و دویست و پنجاه هزار دلار از قسمت اداره املاک تأمین می‌گشت.<sup>۲</sup> در مقابل بانک

۱. باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران، گفتار/علم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۱۱.

۲. اختاپوس صدپا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۶.

متعهد می‌گشت عواید خود را به هیچ یک از بخش‌های سلطنتی یا استفاده در مصارف عمومی توسعه اقتصادی یا صنعتی اختصاص ندهد و بر اساس مقررات، تمامی وجوه حاصله از فروش اراضی بایستی مصروف خدمات روستایی و دیگر مقاصد خیرخواهانه گردد. در مرداد ۱۳۵۶ که ترازنامه بانک عمران چاپ شد دارایی‌های آن یک میلیارد و پنجاه میلیون دلار و سرمایه‌ای که به پنجاه میلیارد دلار معادل تقریبی هشتاد و یک میلیون دلار رسید.<sup>۱</sup> این افزایش سرمایه که بر خلاف تعهدات اولیه بانک بود به اذعان خود بانک ناشی از قانون‌گریزی و تغییر مسیر سرمایه‌گذاری‌های این بانک از کشاورزی به دیگر بخش‌ها به خصوص صنعت ساختمان بود؛ فی‌المثل این بانک در پروژه ساختمانی ۲۲۰۰۰ واحد مسکونی گران‌قیمت در منطقه فرحزادی در صد سهم داشت و علاوه بر آن سرمایه این پروژه را نیز تأمین می‌کرد. علاوه بر این سه تا از بزرگترین برج‌های ساختمانی ونک به سرمایه این بانک برای بنیاد پهلوی در دست ساختمان بود.<sup>۲</sup>

### تأسیس رسمی بنیاد پهلوی

در مجموع، شاه به دلایل ذیل ناگزیر بود که برای مدتی کوتاه هم که شده از اداره مستقیم ثروت خود چشم‌پوشد و آن را در ذیل نهادهای دیگر اداره کند:

۱. اختصاص دارایی‌ها به یک سازمان ظاهراً خیریه بعضی فشارهایی را که گفته می‌شد دارایی‌های شاه غصبی و متعلق به ملت است کم می‌کرد.<sup>۳</sup>
۲. تأسیس یک نهاد جدید وسیله‌ای برای نفوذ در بخش‌های کلیدی اقتصاد بود.
۳. تأسیس یک نهاد جدید راهی برای پاداش دادن به پشتیبانان رژیم بود.<sup>۴</sup>
۴. تأسیس یک نهاد جدید یک منبع مالی برای خانواده سلطنتی محسوب می‌گشت.
۵. انجام طرح‌ها و برنامه پیشنهادی از سوی برخی کارشناسان امریکایی مسائل ایران مانند یانگ و بولینگ.
۶. انجام کارهای بعضاً خیریه در افزایش محبوبیت خانواده سلطنتی نقش داشت.<sup>۵</sup>
۷. جلب رضایت طبقات مذهبی که از سنت وقف طرفداری می‌کردند شاه را قادر می‌ساخت تا از این طریق بتواند خود را فردی مذهبی نشان دهد. در بیشتر حکومت‌های

۱. رابرت گراهام، همان، ص ۱۹۶.

۲. یوناه الکساندر و آلن نونز، تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده، ترجمه دکتر سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران، قومس، ۱۳۷۸، ص ۳۷۴.

۳. رابرت گراهام، همان، ص ۱۹۵.

۴. پرواند آبراهامیان، همان، ص ۵۳۷.

۵. رابرت گراهام، همان، ص ۱۹۲.





شبیه به ایران دوره پهلوی، اقدامات مذهبی نقش بسزایی در جذب مخالفین حکومت داشته است؛ و دین ابزاری بود که با اتکا به نوعی عقیده مذهبی، می توانست حقانیت خود را توجیه کند.

۸. تمرکز واحدهای وابسته به دربار مانند شرکت ملی نفتکش، بنگاه چاپ و ترجمه کتاب، بانک عمران و... در یک سازمان واحد، می توانست هم اداره این سازمان ها را ساده تر کند و هم عملکرد شرکت ها و سازمان های وابسته به خود را تحت پوشش یک نام واحد از دید عموم پنهان کند.

ابتدا ضروری به نظر می رسد که بدانیم که واژه بنیاد در علم حقوق، دارای تعریف مشخصی است. بنابر تعاریف معتبر حقوقی بنیاد عبارت است از:

تأسیسی که شخص از طریق هبه یا وصایا آن را پدید می آورد مانند تأسیس بیمارستان، و مدرسه و پل و آب انبار و غیره. بنابراین بنیاد یا foundation انجمن ها دارای شخصیت حقوقی بوده و در زمره اشخاص حقوقی دارای هدف غیر انتفاعی می باشد.<sup>۱</sup>

دقت در تعریف بالا نشان می دهد که هدف اصلی بنیاد باید مسائل عام المنفعه باشد و اهداف تجاری در آن راهی ندارد. بنابراین تعجبی نخواهد داشت که اقدامات آتی بنیاد پهلوی را با نوعی بدبینی بنگریم. بسیاری از اسناد موجود نشان دهنده این مطلب است که مسائل خیریه هرگز در اولویت کارهای بنیاد قرار نداشته و این بنیاد بیشتر به دنبال اهداف تجاری و مالی بوده است. به هر روی بنیاد بلافاصله پس از صدور فرمان تأسیس، اداره بخش اعظم دارایی های ثابت محمدرضا شاه و همچنین تعداد زیادی از اعضای خانواده سلطنتی را که بسیاری از آنان کمیسیون های پرسودی را بابت حضور در هیئت مدیره های شرکت های مختلف دریافت می کردند بر عهده گرفت.<sup>۲</sup>

### ترکیب اعضای هیئت مدیره بنیاد پهلوی

این بنیاد ابتدا از ترکیب یک نفر مدیر عامل و هفت نفر شورای عالی تشکیل شد که نحوه انتخاب این افراد به شرح ذیل بود: پنج نفر از اعضا بیشتر به دلیل سمتشان به عنوان اعضای حقوقی عضویت هیئت نظارت انتخاب شدند که عبارت بودند از: نخست وزیر، وزیر دربار، رئیس مجلس سنا، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور. دو

۱. محمدجعفر لنگرودی، دانشنامه حقوقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۹۱.  
۲. پرواند آبراهامیان، تاریخ/یران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳.

نفر دیگر هم توسط شخص شاه و به مدت سه سال در این هیئت عضویت می‌یافتند. این هیئت‌مدیره حق انتخاب مدیر عامل را نداشت و بیشتر اعضا فقط به خاطر سمت‌هایشان و نقشی که می‌توانستند در به پیش بردن کارهای بنیاد داشته باشند به عضویت هیئت‌مدیره انتخاب می‌شدند.<sup>۱</sup> دو نفر دیگر به عنوان نماینده شاه توسط شخص شاه انتخاب می‌شدند که در آن سال‌ها عبارت بودند از عماد تربتی و اسدالله علم. محمدجعفر بهبهانیان نیز به عنوان اولین مدیر عامل منصوب شد.

### اساسنامه بنیاد پهلوی

در ابتدای این اساسنامه که در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۱۲ به تصویب رسید آمده است:

نظر به علاقه تام و ایمان و عقیده راسخی که برای رضای خداوند متعال و رفاه و آسایش ملت خود داشته و داریم و به منظور شادی روح بزرگ پدر من اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر و سرافرازی و خشنودی ملت شریف ایران و اعتلای نام کشور از ابتدای سلطنت خود از هیچ‌گونه همت و بذل اموال به منظور ترقی سطح دانش و اخلاق و پیشرفت بهداشت و توسعه کشاورزی و کمک به مستمندان و دیگر امور عام‌المنفعه و خیریه و بریه دریغ نداشته‌ایم و برای پیشرفت این مقاصد و اهداف طبق فرمان مورخ هفت بهمن ۱۳۲۹ مقرر داشته‌ایم املاک پهلوی مزروعی مغرور که بالغ بر ۸۳۰ مزرعه و دو بیست و پنجاه و هشت هزار هکتار زمین بوده است برای عمران و آبادی کشور که سرآمد کلیه اصلاحات است با رعایت تخفیف در بهای املاک و به اقساط طویل‌المدت به زارعین و ساکنین املاک واگذار شود و وجوه حاصله از محل فروش املاک به وسیله بانک عمران که به منظور رفاه و آسایش کشاورزان تشکیل شده است و برای ایجاد منابع تولیدی و تأسیس شرکت‌های تعاونی و پرداخت وام به کشاورزان و تهیه وسایل کار برای آنان اختصاص داده شده است و قسمت مهمی از املاک مزروعی که دارای سکنه و زارعین بوده است تاکنون به آنها واگذار شده و اینک هم تأیید و تثبیت می‌نماییم که نسبت به بهای دریافتی از زارعین به طوری که مقرر داشته‌ایم نیز به وسیله بانک عمران اقدام شود و به استثنای املاک مزروعی که طریق خیر آن را

۱. اساسنامه بنیاد پهلوی سال ۱۳۴۱، ماده ۱۰، تبصره یک و تبصره دو.





واگذاری به زارعین دانسته‌ایم و موقوفه قرار دادن آن مانع از این منظور می‌گردد نسبت به قسمتی از اموال خود که مفروض و غیر مزروعی بود مؤسسه‌ای به نام «بنیاد پهلوی» تأسیس و اساسنامه آن مشتمل بر شش قسمت و بیست و پنج ماده تنظیم و توشیح نمودیم که نسبت به بهداشت و فرهنگ و کمک به مستمندان و امور اجتماعی و نیکوکاری برابر مقررات و مواد مندرجه در اساسنامه مزبور عمل و اقدام شود و بنیاد پهلوی تأسیس و به وظایف محوله رفتار و به فراخور امکانات و به مقتضی اوقات اقدامات لازمه را نموده است و اینک به منظور تأیید و تثبیت در اجرای نیت حسنه و مقاصد خیر خواهانه‌ای که داریم و برای اینکه به طور جاوید و موبد منظور حاصل باشد اراده ما بر این قرار گرفت که نیت و مقاصد عام‌المنفعه خود را که تاکنون نسبت به اموال خیریه خود عمل کرده و پس از این هم باید رفتار شود به صورت سند رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی به عنوان «موقوفات خاندان پهلوی» ثبت نماییم و با شرایط و مواردی که ضمن این سند مندرج است مقرر می‌داریم به طور دایم و لازم عمل شود.

در فصل اول این اساسنامه تأکید شده است:

- برای حفظ سلامت افراد و بهداشت، امور زیر منظور نظر ما است:
۱. تأسیس درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و کمک و همکاری با درمانگاه‌ها و بیمارستان‌هایی که دیگران تأسیس نموده و یا بنمایند؛
  ۲. ایجاد آموزش‌گاه‌های پزشکیاری و پرستاری و مامایی و کمک و همراهی با این‌گونه مؤسسات؛
  ۳. کمک نقدی و دارویی به مرضای مستمند؛
  ۴. کمک به تغذیه و بهداشت کودکان فقیر و شیرخوار گاه‌ها و پرورشگاه‌ها؛
  ۵. کمک به مادران باردار بی‌بضاعت از حیث غذا و دارو؛
  ۶. کمک به آسیب‌دیدگان در حوادث غیر مترقبه از قبیل زلزله و حریق و غیره؛
  ۷. تهیه مواد دارویی و لوازم معاینه و درمان برای در دسترس قرار دادن بیماران به طور رایگان یا به قیمت ارزان؛



۸. اقدامات مفید و مؤثر برای بالا بردن سطح بهداشت و حفظ سلامت

عمومی.

و در فصل دوم نیز گفته شده:

برای توسعه فرهنگ نظر ما بر این گونه امور است:

۱. تأسیس و کمک به آموزشگاه‌ها و دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها به خصوص فنی و حرفه‌ای؛
۲. اعطای کمک هزینه تحصیلی، توزیع کتاب و لباس بین دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت؛
۳. طرح و انتشار کتب و مجلات علمی و صنعتی و حرفه‌ای؛
۴. اعزام محصل به خارج از کشور برای کارآموزی و فراگرفتن تعلیمات علمی و عملی و صنعتی و کشاورزی؛
۵. کمک به آموزشگاه‌های اکابر؛
۶. کمک به تعلیمات عمومی و اجباری و مبارزه با بی‌سوادی؛
۷. اعطای جوایز و کمک به نویسندگان و دانشمندان و تشویق به اختراع و ابتکار در امور علمی و صنعتی؛
۸. اعطای جوایز به دانشجویانی که حایز رتبه اول می‌شوند؛
۹. حمایت زبان فارسی در داخل و خارج کشور.

در فصل سوم آمده است:

برای کمک به مستمندان امور ذیل بیشتر منظور نظر ما است:

۱. پرداخت هزینه و نگهداری پرورشگاه‌های بنیاد پهلوی که تاکنون ساختمان و تأسیس شده و تأسیس پرورشگاه برای نگهداری و تعلیم و تربیت کودکان یتیم و بی‌بضاعت و کمک به پرورشگاه‌های خیریه فرح پهلوی و سایر دارالایتام‌های ملی و شهرداری؛
۲. کمک به نوانخانه‌ها و زندانیان بی‌بضاعت و اردوهای کار به منظور جلوگیری از تکدی و ولگردی و نگهداری بینوایان و عجزه و کارآموزی به آنان به فراخور استعداد هر یک.

و فصل چهارم نیز به مسائل زیر اختصاص یافت:

منظور ما از کمک به امور مذهبی بیشتر معطوف به موارد ذیل است:

۱. کمک به تعظیم شعائر اسلامی و ترویج دیانت مقدس اسلام در هر





- عصر و زمانی به مقتضای وقت؛  
 ۲. کمک به تأسیس دانشگاه اسلامی؛  
 ۳. تعمیر بقاع متبرکه و مساجد؛  
 ۴. کمک به نشر کتب و تعلیمات دینی؛  
 ۵. کمک برای تبلیغات اسلامی خاصه در کشورهای غیر مسلمان.

فصل پنجم می گوید:

نظر ما از کمک به امور اجتماعی بیشتر معطوف به این امور است:  
 ۱. کمک‌های لازم برای تشویق و ترغیب عموم افراد به انجام وظایف ملی و میهنی و اخلاقی و اجتماعی به وسیله تشکیل مجامع تبلیغاتی و کلیه وسایل تربیتی و تأسیس اندرزگاه‌ها؛  
 ۲. تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه و تقویت مؤسسات ورزشی و تربیت بدنی و پیشاهنگی به منظور تربیت افراد و تقویت روح ملی و ایمان کامل به اتحاد و حفظ استقلال کشور شاهنشاهی؛  
 ۳. کمک به ایراد و عطف و نطق و خطابه در مجامع مبنی بر جلب توجه افکار عمومی نسبت به امور میهنی و اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی و ایجاد روح تعاون میان مردم و ایمان کامل به وحدت ملی و نظم و هماهنگی بین افراد و لزوم انجام وظایف؛  
 ۴. کمک به مؤسسات و نشریات و تبلیغاتی که مبنی بر ابراز علاقه نسبت به شعائر ملی و حفظ سنت‌ها و آثار باستانی ایران باشد.  
 همان طوری که اساسنامه بنیاد می گوید قرار بود این مؤسسه در اختیار کارهای کشاورزی و امور خیریه قرار گیرد اما هیچ‌گاه به این امور نپرداخت.

### اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی بنیاد پهلوی

اولین مدیر عامل بنیاد پهلوی محمدجعفر بهبهانیان بود، که از چند سال پیش، به عنوان خزانه‌دار مورد اعتماد شاه در دربار به فعالیت مشغول بود. سرمایه بنیاد در اولین سال‌های فعالیت، در حدود ۴۰۰ میلیون تومان بود. در این سال‌ها بنیاد توانست با کمک نمایندگان مجلس شورای ملی، آخرین بخش از املاک سلطنتی را که شهرداری‌ها بعد از سقوط رضاشاه و با مصوبه مجلس به تصرف خود درآورده بودند را از نو در اختیار بگیرد که ذیل عنوان قانون راجع به واگذاری اراضی متعلق به شهرداری‌ها به مؤسسه بنیاد

پهلوی به منظور ساختن مهمان‌خانه و پرورشگاه در هفده مهرماه ۱۳۳۷ به تصویب رسید:

ماده واحده- شهرداری‌ها می‌توانند از اراضی متعلق به خود به منظور ساختمان مهمان‌خانه و پرورشگاه و سایر امور خیریه به طور رایگان به بنیاد پهلوی واگذار نمایند.<sup>۱</sup>

سرمایه اولیه بنیاد پهلوی از کشتی‌های نفت کش، هتل‌ها، مالیات و حق‌العبور از پل‌های مواصلاتی، بانک‌ها و کارخانجات و حتی نوانخانه‌ها و یتیم‌خانه‌ها تشکیل شده بود. از ابتدا تا سال ۱۳۴۰ وظایفی فرهنگی-اجتماعی بر عهده گرفت.<sup>۲</sup> بهبهانیان طبق اساسنامه نمی‌توانست به عضویت در هیئت‌مدیره بنیاد پهلوی حضور داشته باشد. تنها بعد از تغییرات اساسنامه بود که مدیر عامل عنوان نائب‌التولیه یافت و توانست در جلسات هیئت‌مدیره حضور داشته باشد، بعد از این دوران بود که بنیاد دارای ساختار اداری و مجهز شد تا بتواند از عهده فعالیت‌های محوله برآید. در دوران فعالیت بهبهانیان که تا سال ۱۳۴۰ به طول انجامید بنیاد توانست طرح‌هایی مانند هتل هیلتون و پل خرمشهر و چندین شرکت دیگر را به سرانجام برساند.<sup>۳</sup>

بنابر اساسنامه هیئت‌مدیره دارای استقلال کامل در اداره بنیاد پهلوی بود،<sup>۴</sup> شاه هم مدعی بود که در اداره بنیاد به طور مستقیم نقشی نداشته است. ولی برخی اسناد خبر از آن دارند که شاه حتی در برخی کارهای جزئی و ریز بنیاد هم دخالت داشته است.<sup>۵</sup> بنیاد در سال‌های اولیه فعالیت خود نارضایتی زیادی برانگیخته بود. فروش زمین‌های زراعتی که کشاورزان بعد از شهریور ۱۳۲۰ بر آن مشغول به فعالیت بودند مسبب نارضایتی زیادی بین کشاورزان شد،<sup>۶</sup> همچنین، در سال ۱۳۳۷ کیوسک‌های چوبی کسبه جزء در تهران زیر فشار بنیاد توسط شهرداری به بهانه زیبایی شهر جمع شد و به جای آن در ۲۰۰ نقطه تهران اقدام به دایر کردن دکه‌های کوچک برای فروش شیر پاستوریزه و دوغ آبعلی کردند و بنیاد با واگذاری سرفقلی آن بالغ بر ۱۰ میلیون تومان درآمد کسب کرد.<sup>۷</sup> بهبهانیان پس از تصدی مدیریت این بنیاد بلافاصله دست به کار شد و به نقشه‌برداری

۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ۱۸، ۳/۸/۱۳۳۷.

۲. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، زریاب، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷.

۳. طاهر ضیایی، بنیاد مطالعات ایران؛ برنامه تاریخ شفاهی، مصاحبه کننده: مهناز افخمی، واشنگتن دی سی، ۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۸۸، ص ۱۴.

۴. محمدرضا پهلوی، همان، ص ۳۷۴.

۵. سندش مرکز تاریخ معاصر ایران پ ۰۰-۳۶۷۵-۰.

۶. منصور گرگانی، مسئله زمین در صحرای ترکمن، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۸، ص ۲۱.

۷. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی کد ۱۲۱۶۸، اسناد ش ۱۱۷ و ۱۳۸.





و فروش املاک حاصلخیز گرگان و بجنورد اقدام کرد. مشتریان وی را به شهادت اسناد در درجه اول، اغلب اعضای خانواده سلطنتی و یا افرادی تشکیل می‌دادند که در کودتای ۲۸ مرداد به نفع شاه دست به فعالیت زده بودند. به نظر می‌رسید شاه می‌خواهد هر چه زودتر از دست این املاک راحت شود. در این سال‌ها سیل پول از این املاک مناطق به سوی حساب‌های املاک پهلوی در تهران سرازیر بود. برای اینکه مجسم کنیم که این حرکت بهبهانیان چه سود سرشاری را عاید بنیاد پهلوی در ۲۵ سال فعالیت این سازمان نموده است و چه میزان پول از بابت زمین‌های این منطقه در طول بیست و پنج سال پس از کودتای ۲۸ مرداد به حساب‌های شاه ریخته شده، کافی است بدانیم که هشتاد درصد از اراضی، توسط املاک پهلوی غصب شده و به فروش رفته است. حد متوسط قیمت اراضی صحرای ترکمن ده هزار ریال بود که بهره مالکانه آخرین سال آن نیز از قرار هکتاری سالیانه هزار ریال دریافت می‌شد. اگر هشتاد درصد ۱۶۳۷۵۰۰ هکتار اراضی صحرای ترکمن را به طور کلی در عدد حداقل ده هزار ریال (صرف نظر از این که بعضی از اراضی هکتاری ۴۰۰۰ ریال و برخی حتی هکتاری ۲۰۰۰ ریال هم مطالعه شده است) ضرب نماییم به این نتیجه می‌رسیم که تخمیناً ۱۳/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت زمین‌های صحرا، پول به حساب‌های شخصی شاه ریخته شده است... در سال‌های مذکور، بنیاد پهلوی زمین را بر اساس واقعیت موجود نمی‌فروخت و اغلب بیش از آنچه سوابق ثبتی و وضعیت عینی زمین نشان می‌داد، مورد معامله قرار می‌گرفت. اگر قریه‌ای هفتصد هکتار زمین داشت برای آن تا ۱۰۰۰ هکتار سند معامله تنظیم می‌شد. سیصد هکتار زمین اضافی وجود خارجی نداشت.<sup>۱</sup> مالکان جدید به هر ترتیبی می‌کوشیدند زمین را به تصرف درآورده و روستاییان را اخراج کنند که باعث نارضایتی بسیاری در آن مناطق شد.

### وضع داخلی ایران در سال‌های اولیه تشکیل بنیاد پهلوی

شاه که سال‌های پس از کودتا توانسته بود به قدرت مطلق تبدیل شود و اختیار عزل و نصب وزرا و استانداران و خزانه را نیز در ید اقتدار خود بگیرد و با قرار دادن وابستگان به خود در سمت‌های حساس مالی مانند شرکت ملی نفت و یا شرکت ملی مخابرات و وزرای وابسته در پست وزارت اقتصاد و... بر ثروت کشور مانند پدرش مسلط شود، هیچ حد و مرزی برای خود، قائل نبود. بر خروردهای خشن ساواک تازه تأسیس با مخالفان و کاهش کمک‌های خارجی، شاه

۱. منصور گرگانی، همان، ص ۶۸.

را همزمان با بحران اقتصادی فزاینده با فشارهای جان.اف. کندی رئیس‌جمهور جدید امریکا که می‌خواست به هر وسیله ممکن از نفوذ کمونیسم در ایران جلوگیری کند مواجه ساخته بود. در پی این قضایا چند تن از متخصصان مسائل ایران و خاورمیانه وزارت امور خارجه امریکا مأموریت یافتند در مورد دورنمای اوضاع ایران به مطالعه بپردازند.

در اواخر سال ۱۳۳۹ مقامات سیاسی ایالات متحده امریکا اوضاع ایران و آینده کشور را نگران‌کننده توصیف کردند. جان.و. بولینگ تحلیل‌گر مسائل ایران، در وزارت امور خارجه امریکا، دو گزارش نه‌صفحه‌ای درباره اوضاع سیاسی اجتماعی ایران تهیه کرد. در گزارش اول، که در اواخر فوریه تهیه شده بود، بولینگ به بررسی و تحلیل دقیق نیروهای اپوزیسیون ایران پرداخت و بی‌اعتباری روزافزون رژیم شاه را در میان طبقات متوسط تصریح کرد. وی ضمن توضیح درباره منافی که غرب در صورت پشتیبانی از ناسیونالیست‌های طرفدار مصدق به دست خواهد آورد و با تأکید بر وسعت پایگاه عمومی آنها، انتخاب این سیاست را به دلیل زیان‌های احتمالی<sup>۱</sup> آن رد کرده بود. سپس بولینگ به ارزیابی این سیاست پرداخته و می‌گوید:

محتمل است بهای حاصل از انتخاب این سیاست (همکاری با مصدقی‌ها) در برابر نتایج درازمدت آن، که ایجاد پایگاه مردمی وسیع‌تر برای رژیم است، هماهنگ باشد، ولی به نظر نمی‌رسد که منافع حاصل از آن ارزش چندانی داشته باشد. به هر حال ارزیابی این انتخاب از جنبه امنیت ملی نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

در بیست مارس ۱۹۶۱ (۳۰ اسفند ۱۳۳۹) برنامه دوم و طرح چهارده ماده‌ای جان بولینگ به عنوان دستورالعمل جدید ارایه شد؛ این طرح اصول برنامه اصلاحات در ایران بود که محمدرضا شاه از آن به نام انقلاب شاه و مردم و بعدها سیاست مستقل ملی یاد می‌کرد.<sup>۲</sup> بولینگ اعتراف می‌کرد که بسیاری از این موارد، ماهیتی بسیار فریبکارانه دارند و هضم آن برای غرب دشوار است، اما هنوز احتمال دارد که شاه بتواند نتیجه

۱. این زبان‌های احتمالی عبارت بودند از:

الف. انحلال پیمان سنتو؛ ب. اخراج هیئت‌های مستشاری نظامی امریکا از ایران؛ ج. متوقف ساختن برنامه‌های تثبیت اقتصادی جاری؛ د. کوشش در جهت دریافت پول بیشتری از کنسرسیون نفت؛ ه. لطمه دیدن شدید حیثیت و اعتبار جهانی ایالات متحده؛ و. فراهم شدن زمینه مساعد برای کمونیست‌ها به منظور رخنه در رژیم؛ ز. از دست دادن رای دوستانه ایران در سازمان ملل؛ ح. انتخاب سیاست بی‌طرفی مثبت از سوی ایران؛ ت. قبول کمک‌های دولت اتحاد جماهیر شوروی.

۲. غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت/ ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۲، ص ۳۵۶.





مطلوب را به دست آورد. به اعتقاد بولینگ وی مغز، شخصیت و زیرکی لازم برای انجام این کار را دارا بود.<sup>۱</sup> شاه که ناگزیر بود دست به اقدامی بزند، به ناچار اجرای این اصول را به عهده گرفت. اصل سیزدهم برنامه، بولینگ بنیاد پهلوی را مدنظر قرار داده و انتشار بیان عملکرد و محاسبات سازمان بنیاد پهلوی و گماردن چند تن از مصدقی‌های میانه‌رو، به عنوان ناظر بر عملیات آن سازمان را خواستار بود.<sup>۲</sup> در پی این رویدادها و نیاز فوری حکومت به انجام برخی اصلاحات، شاه به رغم میل باطنی خود علی‌امینی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. علی‌امینی در طول چهارده ماه نخست‌وزیری بر انجام این‌گونه اصلاحات تأکید فراوان داشت. این اصلاحات شامل اقدامات ریاضت اقتصادی، عملیات گسترده در مبارزه با فساد و برکناری بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و ارتجاعی و منغور بود. شاه هم در یک اقدام سمبلیک مهم، رابطه شخصی خود با بنیاد پهلوی را در مهر ماه ۱۳۴۰ قطع کرد.<sup>۳</sup> محمدجعفر بهبهانیان (حسابدار شخصی شاه) در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۱ از سمت مدیر عاملی بنیاد پهلوی استعفا کرد و اسدالله علم در فردای همان روز به سمت سرپرستی بنیاد پهلوی منصوب گشت.<sup>۴</sup>

با تغییراتی که در مهر ۱۳۴۰ در اساسنامه بنیاد پهلوی صورت گرفت تغییراتی در تعداد اعضای شورای عالی به وقوع پیوست؛ شاه سمت خود را در مقام تولیت بنیاد همچنان حفظ کرد و تغییراتی در ترکیب اعضای هیئت نظارت اعمال شد. با انتخاب اسدالله علم به عنوان نایب‌التولیه و مدیر عامل بنیاد، تعداد اعضای هیئت‌مدیره از هفت نفر قبلی به ده نفر افزایش یافت و سید جلال‌الدین تهرانی، ولی‌الله شهاب‌فردوس و دکتر پرویز ناتل خانلری به هیئت نظارت قبلی اضافه شدند.<sup>۵</sup>

### ریاست اسدالله علم بر بنیاد پهلوی

با شروع مدیریت اسدالله علم دور جدیدی از فعالیت‌های بنیاد پهلوی آغاز گشت. شاه در فرمانی تمامی املاک و مستغلات و همچنین سهام بسیاری از شرکت‌های کوچکتر و دو شرکت بزرگ تحت مالکیت خود یعنی شرکت ملی نفتکش ایران و بانک عمران را که ابتدا به بنیاد پهلوی واگذار نشده بودند را به بنیاد پهلوی واگذار کرد.<sup>۶</sup> با مدیریت

۱. جیمز بیل، عقاب و شسیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران، کوبه، ۱۳۷۱، ص ۲۲۲.

۲. یوناہ الکساندر و آلن نونز، همان، ص ۲۲۵.

۳. جیمز بیل، همان، ص ۲۳۴.

۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ش ۱۸۶۷-۱.

۵. وزارت امور خارجه، سند ش 7-5-p2-k93-sh1340.

۶. اساسنامه دوم بنیاد پهلوی سال ۱۳۴۰.

علم و با مشاوره محمد باهری حقوقدان، اساسنامه جدیدی تنظیم و نفقات مورد نیاز برای سمت‌های سازمانی آن با عنوان مشاور تعیین گشتند که در ۱۳۴۰/۷/۱۲ رسماً اعلام شد.<sup>۱</sup>

طاهر ضیایی درباره مدیریت علم می‌گوید:

یک روز آقای علم، من را گفتند که بیاید برویم یک چایی بخوریم منزل ما، رفتم آنجا دیدم که آقای مرحوم دکتر عمید آنجا است، خانم فریده دیبا بودند، دکتر صالح بود، و دکتر جهانشاهی، عبدالحسین جهانشاهی. ایشان گفتند که اعلیحضرت امر فرمودند که من بنیاد پهلوی را تأسیس کنم و فرمودند که برای هر رشته‌ای یک نفر را انتخاب بکنم، اسم شما را هم بردند. دکتر صالح برای امور بهداشت. شما برای امور صنعتی، از این چیزها، دکتر عمید برای کارهای حقوقی. فریده خانم برای کارهای زنان و رفاه اجتماعی و از این حرف‌ها. ولی خوب چون ما سمت‌مان، من وزیر بودم، آقایان هم اکثر وزیر، من نمی‌توانم بگویم شما معاون من بشوید، مشاور می‌شوید همه‌تان.<sup>۲</sup>

نیروهایی که در بنیاد گرد هم آمدند ابتدا قرار گذاشتند که هیچ کدام حقوق نگیرند و در تبلیغات هم بر روی این مسئله تأکید زیادی می‌شد. طاهر ضیایی نیز بر این نکته که حقوقی از بنیاد دریافت نمی‌شد تأکید کرده است:

از بودجه بنیاد حتی ماها هم حقوق نمی‌گرفتیم.<sup>۳</sup>

اما اسناد و خاطرات بر جای مانده از برخی مقامات بنیاد، بیانگر مطلب دیگری است. محمد باهری هم از علم و سخنان وی این‌طور یاد می‌کند:

قبل از عید آن سال (۱۳۴۱) رئیس حسابداری به من مراجعه کرد و گفت حقوق شما آماده است. گفتم چه حقوقی؟ گفت حقوق همه آقایان - حقوقشان را گرفته‌اند - حقوق شما هم. گفتم من با آقای علم صحبت کردم که حقوق نمی‌گیرم. عجیب است توی اتاق جهانشاهی بودیم. جهانشاهی معاون اداری بود، گفت چرا نمی‌گیرید؟ خود آقای

1. mohamad baheri, in an interview recorded by habib ladjevardi, 1982, cannes france, IOHCHU, p97

۲. طاهر ضیایی، همان.

۳. همان، ص ۱۶.





### علم هم گرفتند.<sup>۱</sup>

شاه مدعی بود که این بار ۹۰ درصد از اموال خود را به ارزش یکصد و سی و پنج میلیون دلار در اختیار بنیاد قرار می‌دهد و این برای پادشاهی که تا چند سال قبل از این مدعی بود که در صورت کناره‌گیری از سلطنت فقط می‌تواند یک مزرعه بخرد بسیار زیاد بود. حجم این ثروت حتی دوستداران رژیم را هم متعجب کرد. این وقفنامه تبلیغات زیادی را در گوشه و کنار جهان به نفع شاه و رژیم برانگیخت. شاه پرستان و نشریات خارجی این ژست شاهانه را به مثابه بخششی ناشی از استغنائی طبع دانستند که برای رفاه و بهزیستی مردم به آن اقدام شده است.

نخبگان بدبین‌تر و ناراضی‌تر متعجب بودند که چگونه شاه توانسته است یک چنین مبلغ کلانی را جمع‌آوری کند. آنها بحث می‌کردند که در هر صورت این مقدار، که تنها یک بخش بسیار جزئی از ثروت شاه محسوب می‌شود، به خود بنیاد برمی‌گردد که در کنار آن ده درصد بقیه ثروت شاه، و با نگرهبانی خود او از اموال وقفی باقی بماند. آنها معتقد بودند که احتمال بسیار کمی وجود دارد که این سرمایه‌گذاری برای اهداف اعلام‌شده هزینه شود.<sup>۲</sup> از همان اول کار، شاه خود را به تولیت بنیاد منصوب کرد. به این ترتیب ۲/۵ درصد درآمد خالص بنیاد از لحاظ قانونی متعلق به او بود، اما او تصمیم داشت این درآمد را دریافت نکند.<sup>۳</sup> او ده نفر هیئت امنای بنیاد را هم تعیین می‌کرد که پنج نفرشان از مقامات مملکتی بودند - نخست‌وزیر، وزیر دربار، رئیس سنا، رئیس مجلس و رئیس دیوان عالی کشور و پنج نفر دیگر که مستقیماً از طرف خود او تعیین می‌شدند. این پنج نفر دیگر همه محق به دریافت ۲/۵ درصد از درآمد خالص بنیاد بودند که به طور مساوی میانشان تقسیم می‌شد.<sup>۴</sup> پس از صدور فرمان موقوفه شدن دارایی‌های بنیاد پهلوی ریاست علم بر بنیاد پهلوی مدت زیادی به طول نینجامید و وی پس از حدود ده ماه و چند روز به نخست‌وزیری منصوب شد و ریاست بنیاد پهلوی را به جعفر شریف‌امامی دوست دیگر شاه سپرد. اما در همین مدت کوتاه نیز اسدالله علم که تجاربی بیش از ده سال در اداره املاک و دارایی‌های شاه به دست آورده بود، توانست تأثیر قابل ملاحظه‌ای در بنیاد پهلوی از خود به جای بگذارد. وی به سرعت بر تشکیلات نهاد جدید سر و سامان داد و هنگامی که این بنیاد را ترک می‌کرد، به لحاظ اداری و تشکیلات

1. Baheri. Ibid: 98.

۲. ماروین زونیس، *روانشناسی نخبگان/ایران*، ترجمه سیروس صالحی و دیگران، تهران، چاپخش، ۱۳۸۷، ص ۸۹.

۳. اساسنامه بنیاد پهلوی.

۴. اساسنامه بنیاد پهلوی.





اقتصادی، بنیاد پهلوی به یکی از مهمترین سازمان‌های مالی در منطقه تبدیل شده بود. پایه پای اداره دارایی‌های بنیاد پهلوی اسدالله علم کار فروش باقی املاک پهلوی را نیز دنبال کرد و چنانکه از فحوای اسناد و منابع آن دوره برمی آید، برخلاف ادعاهای شاه، این املاک و اراضی به ندرت به کشاورزان و زارعان ذیحق واگذار می‌شد، بلکه بیشترین و حاصل خیزترین بخش این املاک به دوستان و همکاران اسدالله علم و شاه واگذار شد. برای نمونه یکی از دوستان اسدالله علم به نام سپهبد کمال در تاریخ پنجم اسفندماه ۱۳۴۰ در این باره خطاب به اسدالله علم رئیس بنیاد پهلوی می‌نویسد:

دوست محترم؛ با تجدید ارادت، مصدع می‌شوم جناب آقای مهندس فرخو که از دوستان بسیار نزدیک اینجانب می‌باشند به فرمان مطاع شاهانه مقرر گردید پنجاه هکتار از اراضی گران را خریداری نماید. یقین دارم در ابراز لطف و محبت درباره زمین ایشان مضایقه نخواهند فرمود. ضمناً برای آقای دکتر مهذب هم که بستگی نزدیکی با اینجانب دارند مقدار پنجاه هکتار تصویب شده که اگر هر دوی این زمین‌ها پهلوی هم و بلامعارض و خوب باشد موجب نهایت امتنان خواهد بود...<sup>۱</sup>

نفوذ اسدالله علم در بنیاد پهلوی پس از استعفایش از ریاست آن هرگز از بین نرفت و تا اواخر عمر پیوسته یکی از اصلی‌ترین اعضای هیئت امنای این بنیاد به شمار می‌رفت. در واقع سیاست‌گذاری اصلی درباره چگونگی عملیات اقتصادی و سیاسی این بنیاد توسط وی صورت می‌گرفت:

بعد از ظهر [۱۳۴۷/۱۲/۳] جلسه هیئت امنای بنیاد پهلوی [بود که] حسب الامر شاهنشاه ده سال قبل پایه‌گذاری کردم و بیشتر املاک و دارایی ایشان جزو این موقوفه که موقوفه خاندان پهلوی نام دارد قرار گرفت. امروز لذت بزرگی بردم، زیرا عایدات [بنیاد پهلوی] صد میلیون تومان است.<sup>۲</sup>

### دوران ریاست شریف امامی بر بنیاد پهلوی

با انتخاب اسدالله علم به نخست‌وزیری در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۴۱، غلامحسین جهانشاهی به سرپرستی موقت بنیاد پهلوی انتخاب شد که تا دو مرداد ۱۳۴۱ این

۱. تاریخ معاصر/یران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۸۰-۲۷۹.  
 ۲. اسدالله علم، یادداشت‌های علم، به کوشش علی‌نقی عالیخانی، تهران، کتابسرا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۱.



سمت را حفظ کرد. فردای آن روز در میان بهت همگان جعفر شریف امامی نخست‌وزیر سابق به سمت نیابت تولیت بنیاد پهلوی منصوب شد.<sup>۱</sup> نکته جالب در مورد این انتخاب فراتر از وابستگی‌های وی به حکومت، این است که وی هم مانند بهبهانیان و علم از بورسیه‌شدگان بنیاد فولبرایت بوده است. این بورس با نام رهبران آینده نامیده می‌شد که تنها در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که از طرف نمایندگان این بنیاد حایز شرایط برای پیشرفت در عرصه‌های مدیریتی بودند و می‌توانستند در آینده کشور نقشی تأثیرگذار ایفا کنند.<sup>۲</sup>

به هر روی، بسیاری از افراد شریف امامی را در ابتدا از طرفداران دکتر مصدق می‌دانستند. نطق وی در مجلس سنا مبنی بر مخالفت وی با امتیاز کنسرسیوم ابتدا سبب کسب وجهه برای وی در میان برخی سیاست‌پیشگان ناراضی از کودتا شد. اما نخست‌وزیری نافرجام و کوتاه‌مدت او نشان داد که وی فردی ضعیف و ناتوان است. شروع کار جعفر شریف امامی با اعلام پایان واگذاری اراضی سلطنتی توأم شده بود، که در تبلیغات رسمی فراوان به آن پرداخته می‌شد. بدین ترتیب سردمداران بنیاد قبل از ورود شریف امامی، راه را برای تغییر مسیر بنیاد پهلوی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در سایر بخش‌ها آماده ساخته بودند. با ورود وی، این روند چنان تسریع شد که بنیاد به بزرگترین بخش اقتصادی کشور بعد از دولت مبدل شد. البته آرامش در کشور نیز به زور سرنیزه حاکم بود تا این که واقعه‌ای این آرامش کاذب را به هم زد. هنوز مدتی از ریاست شریف امامی بر بنیاد پهلوی نگذشته بود که واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در اعتراض به دستگیری امام خمینی برپا شد و پایه‌های حکومت رژیم را به لرزه درآورد. صورت جلسات هیئت دولت که در همان زمان قیام و به قید فوریت تشکیل شده بود به خوبی نشان می‌دهد که چطور نخبگان سیاسی ایران در آن برهه زمانی خود اولین اغفال‌شدگان طرح شاه بوده‌اند و تمام علت قیام را فقط اصلاحات ارضی و اوقاف پهلوی می‌دانسته‌اند.<sup>۳</sup> هنوز چند صباحی از این قیام خونین نگذشته بود که این بار خود بنیاد در یک رسوایی بین‌المللی درگیر شد.

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ش ۱۳-۱۸۶۷.

۲. دکتر حسام‌الدین آشنا، «بورس رهبران فولبرایت و نخبگان حاکم در دهه آخر دوران پهلوی»، علوم/اجتماعی، ش ۴۲ و ۴۳، ۱۳۸۹، ص ۴۵۱-۴۳۳.

۳. جهانگیر تفضلی، *خاطرات*، به کوشش یعقوب توکلی، تهران، حوزه هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۲.

## رسوایی بین‌المللی بنیاد پهلوی

نشریه نیشن چاپ امریکا در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ (۱۳۴۴.ه.ش) اسنادی را منتشر کرد که طی آن بنیاد از کمک‌های مالی ایالات متحده و درآمدهای نفتی کشور برای مقاصد شخصی شاه سوءاستفاده کرده بود و در آن مشخص شد تحت پوشش بنیاد چه اتفاقاتی رخ می‌داده است. توضیح آن که با سقوط دولت مصدق و پس از استقرار رژیم کودتا، همه عاملین و مزدوران انگلیسی و امریکایی که در سرکوب کردن نهضت ملی ایران دست داشتند پاداش خدمت خود به شاه و دربار را گرفتند، نظامیان ترفیع یافتند و مقامات مهم نظامی و امنیتی را قبضه کردند. سرلشکر زاهدی، سرتیپ گیلانشاه، سرتیپ باتمانقلیچ، سرهنگ بختیار، سرتیپ دادستان، سرهنگ نصیری، سرهنگ اخوی، سرهنگ فرزندگان، سرهنگ قرنی، سرهنگ حمیدی، سرهنگ روحانی، سرهنگ آزموده، سرتیپ حسین آزموده و... از این زمره بودند؛ دیگر نظامیانی که در درجات پایین بودند و در اجرای طرح کودتا شرکت داشتند ترفیع گرفتند و سال‌ها بعد به درجات بالا رسیدند. از میان غیر نظامیان، آنهایی که با سیا و اینتلجنس سرویس ارتباط مستقیم داشتند به صورت مهره‌های مؤثر رژیم درآمدند. اردشیر زاهدی که داماد شاه نیز شده بود، از گردانندگان مؤثر سیاست خارجی ایران و رابط مورد اعتماد واشنگتن و شاه بود. برادران رشیدیان از بانکداران معتبر ایران شدند. شعبان جعفری که مردم به او تاج‌بخش لقب دادند، به یکی از شخصیت‌های متنفذ رژیم مبدل شد.

دیگر کودتاچیان، به تناسب خیانت‌هایی که کرده بودند، به جاه و مقام رسیدند. طراحان کودتا در خارج و همه کسانی که به نحوی از انحاء در بر گرداندن محمدرضا شاه به قدرت مداخله داشتند، پاداش‌های کلان گرفتند. صاحبان مطبوعات غربی نیز از این خوان یغمایی نصیب نماندند و میلیون‌ها دلار از بیت‌المال ملت به جیب آنها رفت. میزان این خاصه خرجی‌ها به جایی رسید که مک‌لند<sup>۱</sup> رئیس کمیسیون تحقیق سنای امریکا نیز از فساد حاکم بر رژیم کودتا پرده برداشت. وی در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۶۳ به خبرنگاران روزنامه‌های امریکایی گفت که طی یک سال بیش از ۱۰۰ میلیون دلار کمک‌های امریکا به ایران حیف و میل شده است. تحقیقات کمیسیون سنای امریکانشان داد که تنها در سال ۱۹۶۲ مبلغ ۱۵۹ میلیون دلار از درآمد نفت ایران و کمک‌های امریکا به حساب بنیاد پهلوی در بانک‌های سوئیس ریخته شده و بیشتر این پول به افراد خانواده سلطنتی پرداخت گردیده است. این اسناد حکایت از آن داشت که تنها فرح، همسر شاه در سال ۱۹۶۲، طی دو فقره چک مبلغ ۲۳ میلیون دلار دریافت کرده

1. mcLeland





و اشرف نیز در همان سال طی سه فقره چک به حواله یونیون بانک سوئیس، مبلغ ۵ میلیون دلار دریافت کرده است.

در مقاله منتشره از سوی نشریه نیشن مشخص شد که بنیاد پهلوی در طی دو سال شرکت ملی نفت ایران، سازمان برنامه و بودجه، وزارت دارایی، وزارت جنگ، سازمان ورزشی شاهنشاهی و بانک مرکزی دریافت‌های هنگفتی داشته است؛ این مبلغ برابر با ۵۶۸۰۰۲۴۱/۵۵ دلار اعلام شد. این وجوه که هیچ یک از اموال خصوصی شاه نبود، پرداختی شرکت ملی نفت ایران و یا پرداختی دولت امریکا به بانک ملی ایران، سازمان برنامه و یا وزارت دارایی بود که از طرف آنها به حساب بنیاد پهلوی واریز شده بود. در مقاله مجله نیشن آمده است که خارجیانی که نامشان در صورت حساب ذکر شده کسانی هستند که در جریان فعالیت‌های سیا در سال ۱۹۵۳ برای سقوط دولت مصدق و بازگرداندن شاه به قدرت دست داشته‌اند. مشخص‌ترین این افراد لویی هندرسن سفیر امریکا در تهران، آلن دالس رئیس سازمان سیا بودند و هنری لوس رئیس سابق مجله تایم-لایف، جورج آلن سفیر سابق امریکا، پیگات دریادار انگلیسی، دیوید راکفلر و ژنرال پی بر فرمانده نیروی هوایی انگلستان و یکی، دو تن دیگر از پاداش گیرندگان هستند.<sup>۱</sup>

### فهرستی از چک‌های پرداخت شده توسط بنیاد پهلوی<sup>۲</sup> (جدول شماره ۱)

۱	لویی هندرسون (سفیر کودتاچی)	۱ میلیون دلار
۲	شمس پهلوی (خواهر شاه)	۱ میلیون دلار
۳	دریک میشل (شناخته نشده)	۵۰۰ هزار دلار
۴	هنری لوس (مدیر سابق مجله تایم)	۵۰۰ هزار دلار
۵	جورج آلن (سفیر سابق امریکا در ایران)	۱ میلیون دلار
۶	شهناز پهلوی (دختر شاه)	۱ میلیون دلار
۷	ویلیام بورک (شناخته نشد)	۲۰۰ هزار دلار
۸	راندولف دیکینز (شناخته نشد)	۲۰۰ هزار دلار

۱. غلامرضا نجاتی، همان، ص ۴۸۱-۴۷۹.

2 -gholam reza kossary nejad, a study of iran s social political& economic condidtion preceding the 1978-1972 thesis doctor of philosophy in leadership and human behavior , unaited states international university,pp160.

۹	حمیدرضا پهلوی (برادر شاه)	۵۰۰ هزار دلار
۱۰	احمد شفیق (شوهر اشرف)	۱ میلیون دلار
۱۱	سلدن شاپین (سفیر امریکا بعد از لوی هندرسون)	۱ میلیون دلار
۱۲	امیر خاتمی (همسر فاطمه، خواهر شاه)	۱ میلیون دلار
۱۳	ر.ا. پیگات (دریادار انگلیسی)	۱ میلیون دلار
۱۴	ت.و.بی.یر (معاون نیروی هوایی انگلستان)	۱ میلیون دلار
۱۵	فرح پهلوی (همسر شاه)	۱۵ میلیون دلار
۱۶	فاطمه پهلوی (خواهر شاه)	۲ میلیون دلار
۱۷	عبدالرضا پهلوی (برادر شاه)	۲ میلیون دلار
۱۸	غلامرضا پهلوی (برادر شاه)	۲ میلیون دلار
۱۹	ویلیام وارن (رئیس سابق اصل ۴ در ایران)	۱ میلیون دلار
۲۰	دکتر علی امینی (وزیر دارایی زاهدی و امضاکننده قرارداد کنسر سیوم)	۲ میلیون دلار
۲۱	دیوید راکفلر (برادر فرماندار سابق نیویورک) و رئیس بانک چیس مانهاتان	۲ میلیون دلار
۲۲	حمیدرضا پهلوی	۱ میلیون دلار
۲۳	محمودرضا پهلوی (برادر شاه)	۱ میلیون دلار
۲۴	جمشید خیبر	۵۰۰ هزار دلار
۲۵	ا.و.وبستر (شناخته نشد)	۱ میلیون دلار
۲۶	اردشیر زاهدی (داماد شاه)	۳ میلیون دلار
۲۷	رولاند-لیس (شناخته نشد)	۱ میلیون دلار
۲۸	اشرف پهلوی (خواهر شاه)	۳ میلیون دلار
۲۹	تئودور مک اوی (شناخته نشد)	۱ میلیون دلار
۳۰	اسدالله علم (وزیر دربار)	۱ میلیون دلار
۳۱	حسین علاء (وزیر سابق دربار)	۱ میلیون دلار
۳۲	آلن دالس (رئیس سابق سازمان سیا)	۱ میلیون دلار





این واقعه نشان داد که نام بنیاد پهلوی تنها برای سوءاستفاده‌های این‌چنینی و نه اهداف خیریه ادعایی بنیانگذارش است. در ایران در مورد این قضیه سانسور بسیار شدیدی برقرار شد و رژیم تلاش زیادی در سرپوش گذاشتن بر این قضیه انجام داد ولی سوءاستفاده تنها به اینجا محدود نمی‌شد. از اثرات این رویداد می‌توان به قطع بی‌سر و صدای کمک‌های مالی ایالات متحده به ایران اشاره کرد.

بنیاد پهلوی به عنوان یکی از بزرگترین و ثروتمندترین نهادهای اقتصادی کشور و با اتکا به پشتوانه سیاسی خود و با استفاده از نام و نفوذ خاندان سلطنتی به فعالیت‌های اقتصادی پرشماری دست یازید که در شماره آینده به چند مورد از این فعالیت‌ها که با مخالفت مردم روبه‌رو شد و در جریان انقلاب اسلامی به پاشنه آشیل رژیم مبدل شد می‌پردازیم.